

ماجرای قتل سردار اسعد بختیاری

(گوشه‌ای از تاریخ پهلوی اول)

تدوین: حمید رضا دالوند



ماجرای قتل سردار اسعد بختیاری

(گوشه‌ای از تاریخ پهلوی اول)

خاطرات

علی صالح اردوان ایلخان بختیاری داماد سردار اسعد

تصحیح و پژوهش

حمیدرضا دلوند

این اثر یکی از موضوعات «طرح تدوین تاریخ انقلاب اسلامی» مرکز اسناد انقلاب اسلامی است و کلیه حقوق برای این مرکز محفوظ می‌باشد.



سال ۱۳۷۹

چاپ اول

اردوان، علی صالح

ماجرای قتل سردار اسعد بختیاری (گوشه‌ای از تاریخ پهلوی اول): خاطرات علی صالح اردوان
ایلخان بختیاری.../ تصحیح و پژوهش حمیدرضا دالوند. - تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی،
۱۳۷۹.

۳۲۰ ص.: مصور، عکس.

ISBN 964- 6196 - 84- 5:

۱۴۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۳۰۷ - ۳۱۰.

۱. سردار اسعد بختیاری، جعفرقلی، ۱۲۵۸ - ۱۳۱۳ -- سرگذشتنامه. ۲. ایران -- تاریخ -- پهلوی،
۱۳۰۴ - ۱۳۲۰. الف. دالوند، حمیدرضا. ب. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. ج. عنوان.

۹۵۵/۰۸۲۲۰۹۲

DSR۱۴۸۶ / ص ۳۷

۷۴۲۷ - ۷۹ م

کتابخانه ملی ایران

ماجرای قتل سردار اسعد بختیاری

تدوین و پژوهش: حمیدرضا دالوند

ناشر: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ: اول ۱۳۷۹

تیراژ: ۳۰۰۰

قیمت: ۱۴۰۰ تومان

حروف چینی و لیتوگرافی: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

ISBN: 964- 6196- 84- 5

شابک: ۵- ۸۴- ۶۱۹۶- ۹۶۴

کلیه حقوق محفوظ است

نشانی: تهران- خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبروی پمپ‌بنزین اسدی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

نمابر: ۲۲۳۲۰۹۲

۲۲۱۱۱۸۲-۶

تلفن: ۲۲۱۱۱۷۴

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶

فهرست مطالب

۹	نشانه‌ها و کوتاه نوشتها.....
۱۱	مقدمه ناشر.....
۱۳	پیشگفتار.....
۳۶	روزشمار زندگی جعفرقلی خان سردار اسعد.....
۳۷	روزشمار رویدادهای کتاب.....
۳۹	بخش اول: از فیل آباد تا زندان قصر.....
۴۱	چگونه مرا دستگیر کردند.....
۴۴	اولین اقدام غیر معمول.....
۵۰	در قریه سورشجان.....
۵۲	یک شب در شهرکرد.....
۵۴	یک لطفیه شیرین.....
۵۵	ورود به اصفهان.....
۵۶	بعد از دستگیری در خانواده‌های ما چه می‌گذشت.....
۵۹	حرکت به طهران.....
۶۰	ورود به طهران [و اقامت در زندان دژیان ستاد ارتش].....
۶۳	انتقال به زندان شهربانی.....
۶۴	پی‌نوشت‌های بخش اول.....
۷۵	بخش دوم: زندان قصر، زندان نمره یک.....
۷۷	زندان قصر.....
۸۰	زندان نمره یک.....
۸۴	پیغام آشنا.....
۹۰	[نخستین بازپرسی].....
۹۴	اصغر قاتل معروف.....
۹۶	دومین بازپرسی.....
۹۹	سال ۱۳۱۳، سال قتل سردار اسعد.....
۱۰۵	آوردن سردار اسعد وزیر جنگ به زندان نمره یک.....

- ۱۱۱ مسموم کردن سردار اسعد در زندان قصر
- ۱۱۳ متن نامه‌های سردار اسعد
- ۱۱۵ متن یادداشت یک ایرانی در اوایل مشروطیت
- ۱۱۹ قتل سردار اسعد
- ۱۳۲ پی‌نوشت‌های بخش دوم
- بخش سوم: محاکمه جنایتکاران، گزارش دادگاه سران شهربانی در زمستان
- ۱۴۷ سال ۱۳۲۲*
- ۱۴۹ متن ادعای نامه دادستان علیه پزشک احمدی و مصطفی راسخ
- ۱۶۳ تحقیقات از پزشک‌یار احمد احمدی در دادگاه عالی جنایی*
- ۱۷۱ متن تحقیقات از راسخ در دادگاه عالی جنایی (بعد از تنفس)
- ۱۷۸ مدافعات آقای کسروی وکیل پزشک مجاز احمدی*
- ۱۸۴ آخرین دفاع پزشک احمدی*
- ۱۸۶ آخرین دفاع کسروی از پزشک احمدی*
- شرکت احمدی با عزرائیل، بیانات آقای ارسلان خلعتبری وکیل ورثه مرحوم
- ۱۸۹ سردار اسعد
- بخش چهارم: اسناد پرونده دستگیری و بازجویی سردار اسعد در اداره سیاسی نظمیه*
- ۲۵۱ سند شماره ۱. تلگراف دفتر مخصوص شاهنشاهی از بابل به رئیس تشکیلات نظمیه
- ۲۵۴ در خصوص دستگیری سردار اسعد و سران بختیاری
- سند شماره ۲. راپورت دایر عملیات محرمانه به اداره پلیس در خصوص دستگیری ۱۸ نفر
- ۲۵۵ از خوانین بختیاری، پویراحمد، ممسنی
- سند شماره ۳. فهرست دستگیرشدگان بختیاری به تفکیک علت دستگیری و
- ۲۵۶ هویت دستگیرشدگان
- سند شماره ۴. پاسخ به ریاست نظمیه به دفتر مخصوص شاهنشاهی در خصوص اجرای
- ۲۵۷ امریه ۱۴۹۹ مبنی بر دستگیری سران بختیاری
- سند شماره ۵. پاسخ ریاست نظمیه به دفتر مخصوص شاهنشاهی در خصوص توقیف
- ۲۵۸ یوسف خان امیر مجاهد
- سند شماره ۶. تلگراف دفتر مخصوص شاهنشاهی به ریاست تشکیلات نظمیه در
- ۲۵۸ خصوص فهرست و تعداد سران دستگیر شده بختیاری
- سند شماره ۷. نامه نظمیه به ارکان حزب کل قشون در خصوص دستگیری سلطان
- ۲۵۹ حسین‌خان پسر سردار ظفر بختیاری
- ۲۵۹ سند شماره ۸. پاسخ ارکان حزب به نظمیه در خصوص دستگیری سلطان حسین خان

سند شماره ۹. تلگراف دفتر مخصوص به نظمیۀ در خصوص ضبط بسته‌های پستی	
جعفرقلی خان سردار اسعد از پست‌مازندران.....	۲۶۰
سند شماره ۱۰. پاسخ نظمیۀ به دفتر مخصوص ضبط بسته‌های پستی سردار اسعد ..	۲۶۰
سند شماره ۱۱. تلگراف دفتر مخصوص به نظمیۀ در خصوص عدم انتشار خبر	
دستگیری سردار اسعد	۲۶۱
سند شماره ۱۲. تلگراف دفتر مخصوص به نظمیۀ در خصوص عدم دستگیری	
نمایندگان بختیاری در مجلس و تأکید بر خودداری از انتشار خبر دستگیری اسعد	۲۶۲
سند شماره ۱۳. پاسخ نظمیۀ به دفتر مخصوص در خصوص اجرای مندرجات	
سند های ۱۱ و ۱۲.....	۲۶۳
سند شماره ۱۴. تلگراف دفتر مخصوص به نظمیۀ در خصوص عدم انتشار خبر	
دستگیری اسعد	۲۶۳
سند شماره ۱۵. پاسخ نظمیۀ به دفتر مخصوص در خصوص اجرای دستورات سند ۱۴.	۲۶۴
سند شماره ۱۶. نامه نظمیۀ به ارکان حزب در خصوص سوابق سران بختیاری در	
وزارت جنگ.....	۲۶۴
سند شماره ۱۷. پاسخ ارکان حزب به نظمیۀ در خصوص سوابق سران بختیاری	۲۶۵
سند شماره ۱۸. گزارش نظمیۀ به دفتر مخصوص در خصوص دستگیری سران	
بختیاری.....	۲۶۶
سند شماره ۱۹. تلگراف دفتر مخصوص به نظمیۀ در خصوص توقف موقت دستگیری	
سران بختیاری	۲۶۶
سند شماره ۲۰. درخواست نظمیۀ از ارکان مبنی بر تهیه فهرست خوانین ذی‌مدخل	
در قضایای بختیاری.....	۲۶۷
سند شماره ۲۱. پاسخ ارکان حزب به نظمیۀ در خصوص فهرست سران بختیاری دخیل	
در قیام ۱۳۰۸ یا قیام علی‌مردان خان.....	۲۶۷
صورت بازجویی از سردار اسعد	۲۶۹
آخرین نامه سردار اسعد به رضاشاه.....	۲۸۲
تصاویر.....	۲۸۳
کتابنامه.....	۳۰۷
فهرست اعلام.....	۳۱۰

نشانه‌ها و کوتاه نوشتها

- * افزوده بودن بخش یا فصلی که عنوان آن در فهرست با این نشانه مشخص شده است.
 - ← نگاه کنید به.
 - [] واژگان یا جمله‌های افزوده.
 - [۱. د] صفحه ۱ دستنویس علی صالح.
 - (۱) نمایه بالای واژگان برای تصحیح و اختلاف نسخه در پانویس، درون جمله و با قلم متن نشان دهنده شماره یادداشت در پایان هر بخش.
 - ... افتادگی، حذف ضروری، ناخوانا بودن.
 - الف: اطلاعات، در سنجش متن با روزنامه اطلاعات.
 - اصل: اصل دستنویس علی صالح یا اصل متن.
 - د: دستنویس.
 - م: محاکمه محاکمه گران.
 - نک: نگاه کنید به.
- قلم ریز متن: جمله‌هایی که در سنجش با دیگر منابع به اصل افزوده شده است.

مقدمه

خاطرات موثق و مستند، مهمترین ابزار برای درک و فهم رویدادهای مهم تاریخی می‌باشند. یک خاطره تاریخی اگر به صورت مناسب و شایسته تدوین گردد، شناخت عینی و مستقیمی به خواننده نسبت به واقعه مورد بحث ارائه می‌دهد. به این ترتیب، از هر زاویه‌ای به خاطره نویسی نگریسته شود، اهمیت و نقش آن در پژوهشهای تاریخی مورد تأیید و تأکید قرار می‌گیرد. با وجود این، متأسفانه سهم خاطره نویسی - بویژه خاطرات شخصیت‌های سیاسی - در تاریخ کشور ما بسیار ناچیز است. از آنجا که تحولات و تغییرات بنیادینی در طول چند دهه گذشته در زمینه‌های مختلف در ایران روی داده‌است و با توجه به این که برخی از نقش آفرینان و کسانی که در متن آن وقایع زیسته‌اند، هنوز از نعمت حیات برخوردارند، جمع آوری و تدوین خاطرات آنها از ضرورتی انکارناپذیر برخوردار می‌باشد.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی با عنایت به نکات فوق و به منظور آگاه کردن علاقه‌مندان از روند تحولات تاریخ معاصر ایران، در زمینه تدوین و چاپ خاطرات شخصیت‌های مذکور گام‌های جدی و مؤثری برداشته است که خوشبختانه مورد استقبال جامعه علمی واقع گردیده‌است. در همین راستا کتاب حاضر به علاقه‌مندان تقدیم می‌گردد.

پس از آنکه وزیر جنگ - جعفرقلی خان سردار اسعد - مورد خشم رضاخان واقع گردید و راهی زندان شد، بسیاری از بستگان وی از جمله علی صالح نیز به این سرنوشت دچار شدند و باقیمانده نفوذ و اقتدار ایل بختیاری به این ترتیب از بین رفت. پس از شهریور ۱۳۲۰ و تحولات و تغییراتی که به دنبال آن روی داد، علی صالح از زندان آزاد گردید و با بیان و نگارش خاطرات خود، قدیمی‌ترین توصیف از زندان رضاشاه را به یادگار گذاشت. نسخه منحصر به فرد این خاطرات که در آرشیو مرکز اسناد انقلاب

اسلامی نگهداری می‌شود، توسط آقای حمیدرضا دالوند تصحیح و تدوین شده‌است. از محتوای این خاطرات چنین بر می‌آید که برخی مطالب آن نا تمام است اما با توجه به اهمیت، مرکز اسناد انقلاب اسلامی به چاپ و نشر آن اقدام کرد. کتاب حاضر از نثری روایی و ساده برخوردار است و نکته پیچید و مبهمی در آن وجود ندارد.

آقای حمیدرضا دالوند، محقق و مصحح این کتاب، در پیشگفتار درباره چگونگی تصحیح و تدوین آن، توضیحات لازم را ارائه داده‌است. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، از ایشان و از همه عزیزانی که در تدوین این اثر تلاش کرده‌اند، سپاسگزار است.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیشگفتار

درست نه نسل از پناهنده شدن حیدر پابی لرستانی به طایفه زراسوند در هفت لنگ بختیاری می‌گذشت که یکی از نوادگان او به نام حسینقلی خان پسر جعفرقلی خان دورکی، توانست پس از یک رشته کشمکش درون خانوادگی، سرانجام در ۱۲۶۵ هـ. ق. ریاست هفت لنگ‌ها را از عموی خود کلبعلی خان بگیرد.^(۱) این پیروزی همزمان با خلأ قدرتی بود که در ۱۲۵۷ بر اثر سرکوبی محمدتقی خان چهارلنگ توسط منوچهرخان ارمنی در منطقه پدید آمده بود.^(۲) شایستگی ذاتی حسینقلی خان و پیروزی وی در رسیدن به ریاست هفت لنگ‌ها، سبب توجه دولت مرکزی به او شد. خانلر میرزا احتشام الدوله حاکم بروجرد که در ۱۲۶۸ فرمانروایی بر لرستان، خوزستان و بختیاری را نیز بدست آورد، نخستین حکمرانی بود که برای حل مسأله بختیاری در جذب حسینقلی خان کوشید، تا جایی که فرمان «ایلخانی بختیاری» را برای او گرفت و از حکومت وی بر دو شاخه هفت لنگ و چهارلنگ پشتیبانی کرد.^(۳)

با آمدن ظل‌السلطان به اصفهان، پیوند ایلخان بختیاری با دولتیان همچنان پایداری پیدا کرد ولی به علت‌های گوناگون، سرانجام شاهزاده تصمیم به نیستی او گرفت: حسینقلی خان را کشت و برادرش حاجی امامقلی خان - مشهور به «حاجی ایلخانی» - را

۱. نک: سردار اسعد، علی‌قلی خان و عبدالحسین لسان‌السلطنه سپهر (ملک‌المورخین)، تاریخ بختیاری، صص ۱۷۰ و ۱۷۱؛ افشار، حسنعلی خان؛ سفرنامه لرستان و خوزستان، صص ۱۳۶ و ۱۳۷.

۲. نک: لایارد، سراوستین هنری؛ سفرنامه لایارد، سراسر کتاب؛ سپهر، ناسخ‌التواریخ، بخش قاجاریه، ج ۲، صص ۱۱۱ و ۱۲۳.

۳. نک: سردار ظفر، خسروخان؛ یادداشتها خاطرات سردار ظفر بختیاری، صص ۵۶-۴۱؛ افشار، حسنعلی، پیشین، صص ۲۶۴ و ۲۶۵؛ گارثویت، جن، راف؛ بختیاری در آینه تاریخ، ص ۹۵.

ایلخان بختیاری کرد.^(۱) از این رو انشعاب نوینی در قدرت خان‌های دورکی پدید آمد که زیرنام «شاخه حاجی ایلخانی» از آن یاد می‌شود. دوگانگی پیش آمده که با تندی تمام تا آستانه مشروطیت راه خود را پیمود، بختیاری‌ها را وارد صف‌بندی‌های دربار قاجار ساخت؛ زیرا فرزندان ایلخانی- علی‌قلی خان و اسفندیارخان سرکردگان نیروهای بختیاری در تهران- طرفدار امین السلطان بودند و حاجی ایلخانی و پسرانش از سوی ظل‌السلطان پشتیبانی می‌شدند.^(۲)

در آغاز مشروطیت، به تاریخ ۱۱ ربیع الاول ۱۳۲۷ قرار داد نهایی اتحاد دو خانواده و تقسیم قدرت میان بزرگان هر دو شاخه، در ایذه بسته شد.^(۳) همبستگی بدست آمده کمک شایانی در فتح تهران به بختیاری‌ها کرد. پیروزی در فتح تهران و رسیدن به رهبری انقلاب مشروطه، اوج قدرت و خوشنامی بختیاری‌ها در صحنه سیاسی ایران است. چشمگیرترین دستاورد این پیروزی، جلب توجه قدرت‌های بزرگ به این نیروی تازه وارد بود و همین امر درونمایه اصلی رویدادهای بعدی بختیاری گردید، اگرچه توجه پیش از این قدرتی چون انگلیس را در بدست آوردن این پیروزی هرگز نباید از نظر دور داشت.^(۴) پسران ایلخانی- علی‌قلی خان سردار اسعد و برادرش نجفقلی خان صمصام السلطنه- نه تنها به رهبری بختیاری‌ها رسیدند که به عنوان رهبران آزادیخواه و بازگرداندگان حکومت مشروطه ایران، آوازه یافتند. نفوذ کسانی چون سردار اسعد در رده‌های بالای حکومتی، نفوذ خوانین خرده پا را در شهرهای دیگر- بویژه ولایات جنوب و جنوب غربی- در پی داشت. در نتیجه بر قدرت بختیاری‌ها افزود.

انقلاب مشروطیت ایران، آنهم در دوره دوم، به سبب نارسایی‌های داخلی همچون ناتوانی رهبران و پادرمیانی روس و انگلیس، در عمل کردن به شعارهایش درماند. از این رو پریشانی و نابسامانی در سراسر کشور رو به فزونی نهاد. با روی دادن جنگ جهانی اول و تقسیم ایران میان قدرت‌های بزرگ، پریشانی پیش آمده گسترده‌تر گردید و در

۱. نک: ظل‌السلطان، مسعود میرزا؛ سرگذشت مسعودی، ج ۲، صص ۶۵۶ و ۱۶۶۱ سردار اسعد، علی‌قلی‌خان و... پیشین، صص ۱۷۱ و ۱۷۳.

۲. نک: سردار اسعد علی‌قلی خان و... پیشین، صص ۱۷۳ و ۱۷۴؛ گارثویت، پیشین، ص ۱۱۷.

۳. نک: گارثویت، تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری، صص ۳۲۷ و ۳۲۱.

4- See. Sir G. Barclay to sir Edvard Grey; Persia, Annual Report 1909, in Iran Political Diaries 188- 1965. Vol. 4, pp. 428- 429.

نتیجه چنین شرایطی - آن چنان که قانون تاریخ ایران است - شاهک‌های محلی رشد یافتند و ساختار سیاسی کشور رو به سوی «ملوک‌الطوایفی» نهاد.

آنچه پیش آمده بود، اگرچه در سطح ملی به زیان سران بختیاری تمام شد و از تثبیت فرمانروایی آنان بر سراسر ایران جلوگیری کرد، ولی در چهارچوب ساختار سیاسی نوین، یعنی رشد شاهک‌های محلی، بسیار به سود آنان بود. در گزارش این گفته، به ناچار باید به پیوند بختیاری‌ها و انگلیس توجه کنیم:

در میان شاهک‌های حوزه نفوذ انگلیس در جنوب و جنوب غربی ایران، بختیاری‌ها از ویژگی‌های برجسته‌ای برخوردار بودند: ساختار سیاسی و ایلی منسجم، جمعیت چشمگیر، توان نظامی بالا، موقعیت و نفوذ سیاسی در حکومت مرکزی (بویژه پس از فتح تهران)، دارا بودن جغرافیای سیاسی مناسب و چیرگی بر کانون‌های بازرگانی در شهرهای ایران مرکزی و جلگه خوزستان و از همه مهمتر، کشف نفت در قلمرو آنان - آنهم در بحران انرژی جنگ جهانی اول - مهمترین ویژگی‌هایی بودند که سبب شدند تا دولت انگلیس بیش از هر نیروی دیگری در تقویت و رشد آنان بکوشد. بر این پایه، لرد کرزن نایب السلطنه هندوستان و یکی از طراحان سیاست نزدیکی به بختیاری‌ها در ۲۱ سپتامبر ۱۸۹۹ به وزارت خارجه انگلیس نوشت:

«من تصور می‌کنم نباید فرصت را از دست داد و می‌بایست تا سرحد امکان کوشش کرد تا نفوذ خود را بین قبایل عرب و طوایف بختیاری در منطقه گسترش داد و همچنین باید کوشش کنیم که با آنها کنار بیاییم، حتی قبل از آنکه تصور کنند ما در منطقه با آنها رقابت می‌کنیم.»^(۱)

به زمینه‌چینی همین سیاست، در ۲۱ می ۱۸۹۸ زیر نظر سفارت انگلیس در تهران و پریس کنسول اصفهان، قرارداد ساخت راه اصفهان - اهواز یا «جاده بختیاری» میان سران بختیاری و «شرکت برادران لینچ» بسته شد. نکته شگفت‌انگیز اختلافی است که میان دو طرف پدید آمد و دولت انگلیس بر خلاف رویه رایج خود، طرف بختیاری‌ها را گرفت

۱. گارثویت؛ پیشین، ص ۱۷۱، به نقل از «تحلیل کرزن درباره سیاست بریتانیا در ایران و خلیج فارس» به تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۸۹۹؛ همچنین برای آگاهی بیشتر از تحلیل‌های لرد کرزن درباره سیاست انگلیس در ایران و رقابت آن با روس نک: کرزن، جرج، ن: ایران و قضیه ایران، ج ۲، صص ۶۹۵ - ۷۵۵.

زیرا بیم آن داشت که از آنها بریده به روس ها گرایش پیدا کنند.^(۱)

در برابر، بختیاری ها نیز اشتیاق فراوانی به پیوند با انگلیسی ها داشتند. در یکی از گزارش های محرمانه پریس به لرد لنزوتون در آغاز ژانویه ۱۹۰۲، که نتیجه دیدار با سران بختیاری را بیان می کند، اشتیاق یاد شده نمود یافته است:

«در حال حاضر اوضاع ایران از هر لحاظ بسیار وخیم است و دولت مرکزی به کلی فرسوده و ناتوان و کارآیی خود را از دست داده است. اینان (خوانین بختیاری)، بدون شک می دانند که دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان از شیخ محرمه حمایت می کند، لذا تقاضا دارند تضمین مشابهی نظیر شیخ موصوف به آنها داده شود. آنها امیدوارند که دولت بریتانیا در این مورد مسامحه به خرج ندهد و آنان حاضرند، هر اقدامی که موجب استحقاق چنین حمایتی باشد، انجام دهند.»^(۲)

کشف نفت در قلمرو بختیاری، بیش از پیش بر پیوند دو طرف افزود. به گونه ای که در ۱۵ نوامبر ۱۹۰۵ بزرگترین قرارداد میان آنها بسته شد. بر پایه این قرارداد که به امضای سران بختیاری، بویژه علی قلی خان سردار اسعد، از یک طرف و از طرف دیگر پریس ژنرال کنسول انگلیس در اصفهان (و وکیل ویلیام نوکس دارسی) رسید، در عوض واگذاری زمین به شرکت نفتی «سندیکای امتیازات» (شرکت دارسی) و تأمین امنیت برای عملیات آن شرکت در قلمرو بختیاری، سه درصد از سود سهام به خوانین تعلق گرفت.^(۳) پریس در این باره می نویسد:

«آنها (خوانین) هیچ حد و مرزی برای خواسته های خود قائل نبودند ولی سرانجام با سه درصد از سود سهام، بدون محدودیت گردن نهادند. صراحتاً باید بگویم که بسیار متعجب شدم که چنین معامله سودآوری را با خوانین انجام دادم. دوازده شانزده و یا بیست درصد از سود سهام را پیشنهاد می کردند. سه درصد

۱. نک: گارثویت، پیشین، صص ۱۷۲-۱۸۸ و ۳۲۷ و ۳۳۱.

Iran Political Diaries 1881- 1965, vol. 1, pp: 387, 407, 639; vol. 2: 374,382,471, 497; vol. 3: 100, 439; vol. 4: 420.

۲. گارثویت، پیشین، ص ۲۰۱.

۳. نک: پیشین، صص ۳۳۱ و ۳۳۵.

نمی‌تواند رقم قابل ملاحظه‌ای باشد. بلکه تنها سه درصد! در حقیقت آنها چیزی از سهام و این طور چیزها نمی‌دانستند و بعضی اوقات در مقابل پرسش‌های من پاسخ‌های در هم و برهم و آشفته‌ایی می‌دادند.^(۱)

«شرکت نفت بختیاری» تا فروپاشی قدرت بختیاری‌ها در روزگار پهلوی، به حیات خود ادامه داد و در نزدیکی آنان به انگلیس، همچنین سرکوبی‌شان بدست رضاشاه تأثیر چشمگیری داشت.

در ادامه تقویت بختیاری‌ها در منطقه، در ۱۹۱۲ با پادرمیانی انگلیس حکومت کهگیلویه نیز به خوانین بختیاری واگذار شد.^(۲) این در حالی بود که شهرهای یزد، کرمان، کاشان، اصفهان و... حاکم بختیاری داشتند این گسترش قلمرو به سبب آغاز جنگ جهانی اول بود و انگلیسی‌ها بیش از هر زمان دیگر به بختیاری‌ها نیاز داشتند. چنانکه برای پرهیز از پریشانی در قلمرو حکومت بختیاری و حفظ امنیت و ثبات در منطقه مرکزی آنها، طی قراردادی، مقام ایلخانی را به مدت پنج سال به نصیرخان سردار جنگ واگذار کردند.^(۳) سروالتر تونلی، وزیر مختار انگلیس در تهران، کمی پس از عقد قرارداد یاد شده در ۱۰ ژانویه ۱۹۱۲ نوشت:

«برای اینکه سردار جنگ بهتر بتواند امنیت را در جاده بختیاری تأمین کند، من موافقت کردم که برادر بزرگش امیرمفخم به سمت حکومت کرمان منصوب گردد.»^(۴)

در روزگار جنگ جهانی اول نصیرخان سردار جنگ و علی قلی خان سردار اسعد به سبب حفظ امنیت منطقه و جلوگیری از نفوذ آلمان‌ها در میان خوانین بختیاری، به دریافت نشان پادشاهی انگلستان مفتخر شدند.^(۵) با این حال فعالیت‌های واسموس آلمانی در جنوب بیشتر از پیش انگلیسی‌ها را وادار ساخت تا به بختیاری‌ها نزدیکتر

۱. گارثویت، پیشین، ص ۲۰۷.

۲. پیشین، ص ۲۰۳؛ گارثویت. خان‌های بختیاری، دولت ایران و بریتانیا، ترجمه گودرز اسعد بختیاری، کتاب آنزان، ج ۲، تهران: انتشارات آنزان ۱۳۷۷، ص ۶۰.

۳. نک: کتاب آبی، ج ۲، ص ۱۸۹۱، ۱۸۹۳.

۴. گارثویت، تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری، صص ۲۲۶ و ۲۲۷؛ و نیز نک: کتاب آبی، صص ۱۸۹۶-۱۸۹۷.

۵. نک: گارثویت، پیشین، ص ۲۲۸.

شوند و آنها را به خود متعهدتر سازند. به همین سبب در فاصله سال‌های ۱۹۱۵-۱۹۱۶، میان سفارت بریتانیا و خوانین بختیاری در تهران قرارداد دیگری در مورد حفظ امنیت منطقه و جلوگیری از فعالیت واسموس بسته شد که طبق ماده هفتم آن:

«دولت پادشاهی انگلستان متعهد می‌شد تا سفیر اعلی حضرت در تهران، مانند گذشته، روابط دوستانه خود را با خوانین بختیاری ادامه دهد و تا آنجا که می‌تواند، اختلافات و مشکلات آنها را چه بین خودشان و چه با دولت ایران حل و فصل کند. این همکاری و معاضدت نیز مانند گذشته شامل خوانینی می‌شد که به عنوان حاکم و فرماندار در شهرستان‌های تحت نفوذ انگلستان به خدمت اشتغال داشتند.»^(۱)

نکته دیگری که انگلیس در ادامه فعالیت‌های خود در جنوب ایران بدان توجه کرد و بختیاری‌ها نیز از آن بهره‌مند شدند ایجاد همبستگی و پیمان دوستی و همکاری در میان شاهک‌های قلمرو خود بود. مهمترین نمود این توجه، در پیمان دوستی خزل و سران بختیاری در سال ۱۹۰۸ و پیمان سه جانبه خزل، صولت الدوله قشقایی و غلامرضاخان والی پشتکوه لرستان در ۱۹۱۰ به چشم می‌خورد.^(۲)

آنچه اشاره شد خطوط اصلی کوشش‌هایی بود که طی آن انگلستان توانست بختیاری‌ها را تا سر حد امکان نیرومند سازد، به طرف خود جذب کند و در فاصله زمانی جنگ جهانی اول تا روی کار آوردن رضاشاه، در جهت منافع خویش به خدمت گیرد. با این وجود ادامه روند موجود بستگی به سیاست آینده طرف پیروز جنگ در ایران داشت.

چنانکه می‌دانیم سیاست پس از جنگ انگلیس در ایران به تغییر و تقویت حکومت مرکزی انجامید. از اینرو شاهک‌هایی را که از مرزهای شرقی ایران تا خرمشهر پدید آورده بود بتدریج تنها گذاشت. این سیاست که به «سیاست تمرکز قدرت» معروف شده است^(۳)، برای آن دسته از مردم که در قلمرو شاهک‌های یاد شده می‌زیستند، بی‌آمدهای ناگواری ببار آورد، چرا که در روند تثبیت قدرت حکومت مرکزی در این

۱. نک: پیشین، صص ۳۴۸ و ۳۵۱.

۲. نک: پیشین، صص ۳۳۵ و ۳۳۷، ۳۴۲ و ۳۴۴.

۳. نک: مکی، حسین؛ تاریخ بیست ساله، ج ۵، ص ۵۲۵ و ج ۲، سراسر کتاب.

مناطق-که بیشتر همراه با درگیری‌های خونین بود- مردم بی‌پناه قربانی شدند. حتی اگر با چشم پوشی از هدف، چگونگی و یا شخصیت مجری یا مجریان این سیاست؛ آرامش و امنیت، تقویت وحدت ملی و رشد نسبی اقتصاد را به عنوان پیامدهای مثبت آن برشماریم باز باید گفت جامعه ایرانی برای همین نیز تاوان گزافی پرداخت. زیرا پیرو اجرای چنین سیاستی بود که زمینه پیدایش یک دیکتاتوری خشن در ایران فراهم آمد. مهدی قلی خان هدایت نخست وزیر، یا به سخن دیگر منشی رضاشاه در سال‌های اقتدار، نیز به این نکته توجه کرده است و می‌نویسد:

«بلی رؤسای ایلات و بعضی اشرار قلع و قمع شدند. کم و بیش نظامی‌ها جای ایشان را گرفتند. ذخایر در یک مرکز جمع شد، اما امنیت به هیچ وجه حاصل نشد. عدلیه آلت تدارک پرونده جنایت است. از سال هفتم و هشتم سلطنت پهلوی امیدها به یأس مبدل شد. نظم کلی در امور، دایر شدن کارخانه ساختمان راه آهن، گشاد کردن خیابان‌ها جلوه‌ای کرد و اموری بود شدنی. پایه عدالت متزلزل شد و تمام محسنات به این عیب نمی‌ارزد.»^(۱)

منشأ قدرت شاهک‌های محلی و نیز دیگر نیروهایی که در برابر سیاست تمرکز قدرت مقاومت می‌کردند، عواملی چون: اشرافیت، زمینداری، قدرت قبیله‌ای، وابستگی خارجی، نفت، دین و فلسفه‌های اجتماعی نوین مانند کمونیست بود. بختیاری‌ها نیز به عنوان یکی از این موانع از سه عامل قدرت قبیله‌ای، وابستگی خارجی و نفت برخوردار بودند. از اینرو دوستی آنها با نیروی تازه وارد، نه تنها ممکن نبود که درگیری آندو تا نابودی کامل طرف ضعیف، اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. پیروزی در مشروطیت، رهبری فرزندان ایلخانی را در سطح ملی و ایلی تقویت کرد و قدرت را به خانواده آنها بازگرداند. اگرچه فرزندان حاجی ایلخانی نیز از صحنه به دور نبودند، هرگز نفوذ آنان با نفوذ علی قلی خان سردار اسعد و برادرش نجفقلی خان صمصام السلطنه-که امروزه نیز به عنوان رهبران بختیاری آوازه دارند- قابل مقایسه نیست. این امر باعث شد که در نسل دوم و سوم خوانین بختیاری، همچنان رهبری سیاسی در دست فرزندان این خانواده باقی بماند. به عنوان نمونه می‌توان از جعفرقلی خان سردار اسعد و مرتضی قلی

خان صمصام یاد کرد. با این حال زیاد شدن خان زادگان هر دو خانواده ایلخانی و حاجی ایلخانی و رقابت شدید قدرت در میان آنها از سویی و از سوی دیگر افزون خواهی سران دیگر طایفه‌ها و یا کلاتران و کدخدایان زیردست، نسل دوم رهبران بختیاری را با دشواری‌های بیشتری روبه رو کرد که در سنجش با پدرانشان هرگز توان بسیج یک پارچه نیروهای ایلی و تأثیر گذاری بر سیاست ملی را نتوانستند بدست آورند. از این رو بس بجاست اگر بپنداریم بر پایه درک چنین شرایطی بود که جعفر قلی خان سردار اسعد- سرشناس‌ترین چهره نسل دوم خان‌های بختیاری- به جای تکیه بر نیروهای ایلی، همراهی با نیروی نوظهور رضاشاه را ترجیح داد و در سراسر روزگار خدمتش صادقانه کوشید تا بختیاری‌ها را به خدمت پهلوی در آورد و از ستیز میان این دو جلوگیری کند. چنانکه در خرداد ۱۳۰۴ درباره خلع سلاح بختیاری‌ها می‌نویسد:

«از طرف خوانین عموماً نوشته شد به نمایندگان خودشان که اسلحه هر چه در ذخیره دارند تحویل ارکان حرب بنمایند. از طرف آقای مرتضی قلی خان و پدر محترم شان هنوز دستوری نداده‌اند. هیچ نمی‌دانم فکر این آقا و پدرشان چیست. اگر بتوانند مقاومت بنمایند، خیالی است. در صورتی که می‌دانند این فامیل عموماً بر ضد همدیگر هستند و این آقایان هم عاقبت هیچ کاری هم ندارند، چرا خودشان را به خفت می‌اندازند، تعجب است.»^(۱)

و یا پس از قیام علی مردان خان چهار لنگ در ۱۳۰۸ بیزاری خود را از رفتار بختیاری‌ها چنین اعلام می‌دارد:

«در هر حال بعد از مرحوم سردار اسعد، ایل آزادپخواه تاجبخش به واسطه نالایقی رؤسا مبدل شد به ایل دزد و مشت‌نالایق یاغی نوکر اجنبی.»^(۲)

بر خلاف کوشش‌های اسعد، بیشتر آنهایی که در روند پیش آمده و آینده آن، جایی برای خود نمی‌دیدند و یا منافع خویش را در خطر می‌یافتند، آرام ننشستند و سر به مخالفت برداشتند. ولی از آنجا که این مخالفت‌ها پایه فکری استواری نداشتند و یا در چهارچوب منافع ملی قابل تعریف نبودند، نه تنها تاب مقاومت در برابر نیروهای دولتی

۱. نک: سردار اسعد، جعفر قلی خان؛ خاطرات سردار اسعد بختیاری، ص ۱۵۶.

۲. نک: پیشین، ص ۲۳۳، همچنین سردار اسعد در بازجویی خود بر ناتوانی آنها در برابر پهلوی تأکید می‌کند. نک: من، ص ۳۶۶.

را نیاوردند که زمینه دخالت دولت در منطقه را فراهم ساختند و سبب شدند تا رضاشاه بهانه‌های لازم را برای مهار قدرت بختیاری بدست آورد. به سخن دیگر تنها آنچه را جعفر قلی رشته بود، پنبه کردند.

عمده‌ترین این مخالفت‌ها که زیر نام «قیام» و «شورش» از آنها یاد شده است به شرح زیر هستند:

واقعه شلیل در ۱۳۰۱: سردار اسعد در ۲۵ مرداد ۱۳۰۱ می‌نویسد:

«دیروز خبری به من رسید که چهار صد نفر سوار و پیاده از نظام اصفهان از راه بختیاری طرف عربستان حرکت کردند. در شلیل که اسم یکی از منازل است، حضرات کهگیلویه‌ها حمله به نظامیها کردند، یکصد نفر از نظامیان کشته [شدند] باقی زخمی و لخت برگشتند اصفهان. تفنگ، توپ، فشنگ تماماً به دست دزدها افتاد... در طهران جماعتی این کار را به تحریک خوانین بختیاری می‌دانند و محرک آنها را انگلیس خیال می‌کنند. بنده هیچ اطلاعی ندارم که در این تاریخچه اظهار عقیده کنم.^(۱) سرانجام وزیر جنگ در بهار ۱۳۰۲ خوانین بختیاری را به تهران آورد و یکصد و پنجاه هزار تومان جریمه نقدی کرد.^(۲)»

همدستی با خزعل در ۱۳۰۳: به سبب وجود منافع بختیاری‌ها در خوزستان و واقع شدن قلمرو گرمسیری آنها در این سرزمین، همیشه میان سران این قوم و قبایل مرزنشین عرب رابطه نزدیکی بوده است که اغلب زیر نظر انگلیسی‌ها و در قالب قراردادهای رسمی و ازدواج‌های سیاسی نمود پیدا کرده است. پیوند محمدتقی خان چهار لنگ و شیخ ثامر خان کعبی-با پا در میانی لایارد-در روزگار محمدشاه نمونه جالبی در این زمینه می‌باشد.^(۳) افزون بر این در ساختار قدرتی که انگلیس به ضرورت جنگ جهانی اول و مسئله نفت در جنوب ایران پدید آورد، با بستن قرارداد مارس ۱۹۰۸ در تحکیم پیوند خزعل و بختیاری‌ها کوشید.^(۴) پیمان یاد شده نیز با ازدواج‌های سیاسی تقویت شد.^(۵)

۱. پیشین، صص ۷۵ و ۷۶؛ و نیز نک: امیری، مهرباب؛ حماسه علی مردان خان بختیاری، کتاب آزان، ج ۲، صص ۷۶.
۲. سردار اسعد، جعفرقلی؛ پیشین، صص ۹۲، و نیز نک: متن، صص ۳۶۹، ۳۷۱.
۳. لایارد، پیشین، بخشهای ۷ و ۸.
۴. نک: گارثویت، پیشین، صص ۳۳۵ و ۳۳۷.
۵. به عنوان نمونه سردار اجل پسر خزعل داماد امیرمجاهد بود. نک: سردار اسعد جعفرقلی خان؛ پیشین، صص ۱۵۱.

از این رو در سال ۱۳۰۳ که سردار سپه به سرکوبی آشوبگر خوزستان پرداخت، گروهی از خوانین ناراضی بختیاری که در رأس آنها امیر مجاهد عموی جعفر قلی خان سردار اسعد و مرتضی قلی خان صمصام پسر عموی وی قرار داشتند، نه تنها به خزل پیوستند که کسی چون امیر مجاهد حتی پس از تسلیم او به مقاومت خود در منطقه بهبهان ادامه داد و خشم سردار سپه را برانگیخت. جعفر قلی اسعد که در این زمان در رکاب رضاخان حضور دارد، می‌نویسد:

«در این موقع لاینقطع تلگرافات پی در پی از امیر مجاهد، مرتضی قلی خان، شهاب السلطنه به خوانین می‌رسید که ما قبول نداریم. صلح نمی‌کنیم. با شیخ اتحاد داریم و اتحاد ما با شیخ محمره لاینفیر است. چنین و چنان می‌کنیم. این تلگرافات اسباب حیرت من شد. چون هم آقایان بختیاری را می‌شناختم و هم کاملاً شیخ را. در هر حال سردار ظفر را از همراهی شیخ برگردانیدیم و حالی کردیم که این کار برای بختیاری مضر است. بالاخره شیخ تسلیم خواهد شد و سر بختیاری‌ها بی کلاه می‌ماند. قبول فرمودند.»^(۱)

یوسف خان امیر مجاهد در آستانه سرکوبی خزل بر سر منصب ایلخانی با برادرزاده‌اش، محمدتقی خان امیر جنگ، اختلاف داشت و برای دست‌یابی به خواسته خود سر به آشوبگری برداشت. چنانکه سردار اسعد در اردیبهشت ۱۳۰۳ می‌نویسد:

«امیر مجاهد به مخالفت دولت و حکومت امیر جنگ قیام کرده‌است از طرف دولت امر شد فرنگستان برود.»^(۲)

سرانجام او به عنوان سفر فرنگستان به خوزستان رفت ولی نزد خزل ماند و همراه او علیه دولت جنگید.

نبرد بویراحمد در ۱۳۰۷: در این جنگ سرتیپ خان و شکرالله خان بویر احمدی ضربه سختی به نیروهای دولتی وارد کردند و با اینکه بختیاری‌ها در تسلیم آنها به دولت از هیچ کوششی فروگذاری نکردند و سرانجام با میانجی‌گری سردار اسعد و آمدن او به منطقه کار پایان پذیرفت ولی پیوندهای خانوادگی میان آنها و خوانین بختیاری، سبب شد که

۱. سردار اسعد، جعفر قلی خان؛ پیشین، ص ۱۳۷، همچنین اسعد در بازجویی، به طور دقیق عملیات سرکوبی خزل و پیوند بختیاری‌ها با آنان را شرح می‌دهد. نک: متن، صص ۳۷۳ و ۳۷۵.
۲. پیشین، ص ۱۲۱.

رضاشاه سوءظن بیشتری به بختیاری‌ها پیدا کند. شکرالله خان با تأمین اسعد به تهران آمد و با مرگ اسعد او هم در سال ۱۳۱۳ اعدام شد.^(۱)

قیام علی مردان خان چهارلنگ و «هیأت اجتماعیه بختیاری» در ۱۳۰۸: این قیام در تابستان ۱۳۰۸ روی داد و نه تنها اتحادیه‌ای از دو خانواده ایلخانی و حاجی ایلخانی، که همه سران هفت لنگ و چهارلنگ در آن شرکت داشتند و مردان بانفوذی چون سردار فاتح و سردار اقبال به آن پیوستند. آنها شهرکرد را به اشغال درآوردند ولی دیری نپایید با اردوکنشی سنگین دولت که در آن از نیروی هوایی نیز استفاده شد، شکست خوردند.^(۲) قیام علی مردان نبرد سرنوشت بختیاری‌ها بود که با سرکوبی آن افسانه شاهک بختیاری در هم شکست و اقدامات بعدی دولت حکم تیر خلاصی بر پیکره نیمه جان آن را داشت. با اینهمه سردار اسعد بختیاری، وزیر جنگ رضاشاه، تنها کسی بود که از کرده بختیاری‌ها بیزارى جست و از آنها چنین یاد کرد:

«ایل دزد و مشتی نالایق یاغی و نوکر اجنبی»^(۳)

خرید جنگ افزارهای انگلیسی: نکته دیگری که در بی اعتمادی رضاشاه نسبت به بختیاری‌ها تأثیر فراوانی داشت، وجود اسلحه‌های انگلیسی در میان آنها- بویژه در قیام علی مردان خان- بود. این امر به اندازه‌ای برای دولت اهمیت داشت که بطور رسمی به دولت انگلیس اعتراض کرد.^(۴) همچنین- آنگونه که در متن حاضر می‌بینیم^(۵)- داشتن اسلحه و ارتباط با انگلیس مهمترین اتهام دستگیر شدگان سال ۱۳۱۲ عنوان شد.

تا بدین جا به گونه‌ای گذرا، نقش انگلیس در رشد بختیاری‌ها و موضع‌گیری آنها در برابر قدرت پهلوی را اشاره کردیم. با این وجود به خوبی روشن است که رضاشاه کسی نبود که به آسانی از بختیاری‌ها بگذرد و بر کرده آنان به دیده اغماض نگرد. حقیقت این است اگر بختیاری‌ها به جای دشمنی، صادقانه هم کمر به خدمت پهلوی می‌بستند- سیاستی که جعفر قلی خان در پیش گرفت- باز به سبب تضاد بنیادینی که قدرت آنان با

۱. نک: متن حاضر، صص ۶۰ و ۶۱ و پی‌نوشت‌های بخش دوم، ش ۳۴.

۲. نک: پی‌نوشت‌های بخش دوم، ش ۳۶، و نیز نک: متن، صص ۳۷۵ و ۳۷۸.

۳. سردار اسعد؛ پیشین، ص ۳۲۳ و نیز نک: امیری، مهرباب؛ «حماسه علی مردان خان»، کتاب آزران، ج ۲، صص ۷۳، و ۹۰.

۴. امیری، مهرباب؛ پیشین، صص ۸۲ و ۸۳.

۵. نک: متن، صص ۱۳۲ و ۱۳۳، ۳۶۸ و ۳۷۹ و ۳۸۲.

ساختار سیاسی نوین ایران داشت، هرگز رضاخان راضی به حفظ آن برای بختیاری‌ها نمی‌شد. به سخن دیگر سهم خوانین در شرکت نفت، دوستی با انگلیس و یا خودسری در منطقه چیزی بود که اقتدار رضاخان را نقض می‌کرد، پس همین کافی بود که در مهار قدرتشان بکوشد.

سیاست براندازی شاهک‌های محلی جنوب، بویژه در مورد بختیاری‌ها، به صورت تدریجی اجرا شد. طرح دوستی و جذب رهبران عالی بختیاری مانند سردار اسعد و حفظ نفوذ و اقتدار ظاهری آنها در ساختار سیاسی نوین، نه تنها بختیاری‌ها را از اتحادیه شاهک‌های جنوب جدا ساخت که با شرکت آنان در عملیات تسلیم و یا سرنگونی همسایگان، زمینه بی‌اعتمادی به رهبران بختیاری را فراهم آورد. همچنین دوستی سیاسی یاد شده دو دستگی میان رهبران بختیاری را سبب شد که سرانجام در تضعیف و شکست نهایی آنها بسیار مؤثر بود. جلوگیری سردار اسعد از پیوستن بختیاری‌ها به خزل، کمک در خلع سلاح بختیاری، تلاش در پایان بخشیدن به قیام علی مردان و ادا کردن شکرالله خان بویر احمدی به تسلیم در برابر نیروهای دولتی، کمک‌های چشمگیری برای عملی شدن سیاست تمرکز قدرت هستند. از این رو باید گفت تنها در سایه دوستی یاد شده بود که رضاشاه اقدامات تدریجی خود را به گزارش زیر برای مهار قدرت بختیاری با کامیابی به انجام رساند.

با تسلیم خزل و تسلط دولت بر خوزستان رضاخان فرصت یافت تا درباره بختیاری‌های هم پیمان او دست به اقدام زند: نخست در ۱۳۰۳ مالیات‌های پس افتاده را گرفت^(۱) و بی درنگ در پی آن فرمان خلع سلاح منطقه را صادر کرد که در ۱۳۰۴ به اجرا گذاشته شد.^(۲) همچنین در سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۵ به محدود کردن قلمرو بختیاری پرداخت و چهار محال را جدا کرد، به صورت فرمانداری کل در آورد.^(۳)

در ۱۳۰۸، قیام علی مردان خان بهانه لازم را به دست رضاشاه داد و نیروهای دولتی توان رزمی بختیاری‌ها را در هم شکستند.^(۴) همچنین با دستگیری و پرونده‌سازی برای

۱. امیری، مهتاب؛ پیشین، ص ۷۶.

۲. پیشین؛ و نیز نک پی‌نوشت‌های بخش یکم، ش ۲۱.

۳. نک: امیری، پیشین؛ و نیز بختیار، روشنگر؛ «زندگی و مرگ شهید بزرگ آزادی، خان باباخان اسعد»، کتاب آنزان، ج ۱، صص ۷۹-۸۰.

۴. نک: امیری، پیشین، صص ۷۳ و ۹۰.

قیام کنندگان، نیروهای فعال و خطرناک بختیاری را بطور جدی زیر نظر گرفت.^(۱) در نتیجه توان آنان از این زمان به بعد در دو چیز خلاصه می‌شد: سهام نفت و حضور سردار اسعد در پست وزارت جنگ. حال رضاشاه برای پایان بخشیدن به این دو می‌بایست به گونه‌ای عمل کند که همه چیز آرام و منطقی صورت بگیرد.

به خوبی روشن است نابودی سردار اسعد بر سهام نفت برتری داشت. زیرا با کشتن وی نه تنها گرفتن سهام نفت آسانتر می‌شد، که دست رضاشاه در نابودی خوانین تحت نظر و پایان بخشیدن کامل به بیش از یک دهه نفوذ بختیاری در صحنه سیاسی ایران بازتر می‌گشت. چرا که رضاشاه با وجود همه خشونت‌ش و نیز ضربه‌های سهمگینی که سپاهیان از ناحیه بختیاری دیده بودند، در ظاهر همه چیز را به سبیل اسعد بخشید و به آزار هیچ یک از یاغیان پرداخت. حتی شکرالله خان بویراحمدی را که اسعد تأمین داده بود، نکشت تا چه رسد به امیر مجاهد یا علی مردان خان بختیاری. از این رو باید گفت جعفرقلی خان بی آنکه خودش بداند مأموریتش در دربار رضاخان رو به پایان بود. در حالی که گمان می‌کرد سیاست برقراری دوستی میان پهلوی و بختیاری‌ها، با دستگیری و تبعید خوانین آشوبگر به خوبی بیار نشسته است و اعتماد شاه به او و بختیاری‌ها به اوج خود رسیده است. سماجی که جعفرقلی خان در شفاعت تیمورتاش نزد رضاشاه به خرج داد و در یادداشت‌هایش به خوبی نمود یافته است،^(۲) همچنین این گفته مخبرالسلطنه:

«من از سردار اسعد جز صمیمیت نسبت به پهلوی ندیدم و در نسبتی که به او

می‌دهند تردید دارم»^(۳).

همگی نشان دهنده رابطه، عملکرد و بینش سردار اسعد نسبت به رضا شاه است و چنین احساس پیروزی و اعتمادی را در وجود او تأیید می‌کند: سراب پیروزی یا اعتماد دودمان براندازی که حتی از سوی بستگانش مورد انتقاد قرار گرفته است و به عنوان بزرگترین اشتباه سیاسی او یاد می‌شود. همین علی صالح می‌نویسد:

۱. نک: سند‌های ش ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۱ پیوست.

۲. نک: سردار اسعد، جعفرقلی خان؛ پیشین، صص ۲۴۳ و ۲۵۱ و ۲۵۵ و ۲۵۸.

۳. هدایت، مهدی قلی؛ پیشین، ص ۴۰۳، همچنین در سراسر بازجویی اسعد تأکید وی بر اعتماد به پادشاه به خوبی نمود یافته است. نک: متن، صص ۳۶۴-۳۸۵.